

درس ۹

نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران

متن درس

نهضت ملی شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دو رویداد مهم و تأثیرگذار در تاریخ پر فراز و نشیب دوران معاصر ایران به شمار می روند. در این درس، شما با بررسی شواهد و مدارک تاریخی، زمینه ها، علل، آثار و پیامدهای داخلی و خارجی نهضت ملی شدن نفت و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بررسی و تحلیل خواهید کرد.

نفت و اهمیت آن

با پیشرفت و گسترش صنعت در یکصد و پنجاه سال اخیر، نفت به عنوان مهمترین منبع تأمین انرژی اهمیت فوق العاده ای یافت.

در دنیای کنونی، کمتر صنعتی را می توان یافت که به نوعی به نفت و مشتقات آن وابسته نباشد. جنگ های جهانی اول و دوم اهمیت و ارزش دسترسی به منابع نفت و تسلط بر آن را بیش از گذشته برای سیاستمداران و رهبران کشورهای قدرتمند آشکار ساخت.

در اوایل سده ۲۰ م، کشف منابع نفت در منطقه خاورمیانه توجه کشورهای استعمارگر و صاحبان صنایع بزرگ را بیش از گذشته به این منطقه و از جمله کشور ما که سومین ذخایر نفت جهان را دارد، جلب کرد. دست یافتن به طلای سیاه در ایران نیز باعث تغییر و تحولاتی بنیادین در امور اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شد. با وجود اهمیت و آثار مثبت نفت در ابعاد مختلف زندگی مردم کشورهای نفت خیز، بعضی از کارشناسان به برخی تأثیرات منفی آن در ابعاد اقتصادی و سیاسی اشاره می کنند.

تاریخچه کشف و استخراج نفت ایران

در زمان مظفرالدین شاه، امتیاز کشف و استخراج نفت و گاز در سرتاسر ایران به مدت ۶۰ سال به یک سرمایه دار انگلیسی به نام ویلیام ناکس داری و اگذار شد (۱۲۸۰ ش / ۱۹۰۱ م). در مقابل، او تعهد کرد که ۲۰ هزار لیره نقد، ۲۰ هزار لیره به شکل سهام و ۱۶ درصد سود خالص سالانه به دولت ایران پرداخت کند. فعالیت های انگلیسی ها برای یافتن منابع نفت در مناطق مختلف ایران، با فوران نخستین حلقه چاه نفت در منطقه مسجد سلیمان به نتیجه رسید (۱۲۸۷ ش / ۱۹۰۸ م). پس از آن، شرکت جدیدی تشکیل شد. این شرکت چاه های زیادی در منطقه مسجد سلیمان حفر کرد و خط لوله ای به نام « شرکت نفت پارس و انگلیس » هم از آنجا تا آبادان کشید. دولت انگلستان پس از آنکه از ارزش منابع عظیم نفت ایران و اهمیت آن برای نیروی دریایی خود آگاه شد، ۵۱ درصد سهام شرکت نفت پارس و انگلیس را خریداری کرد و حق نظارت کامل بر آن شرکت را به دست آورد (۱۹۱۴ م).

بدین گونه این شرکت به بازوی پر قدرت اقتصادی و سیاسی دولت انگلیس تبدیل شد و زمینه اعمال نفوذ و مداخله بیشتر انگلیسی ها را در ایران فراهم آورد.

پس از انقلاب مشروطه، همواره میان دولت ایران و انگلیس اختلافات دامن هداری درباره نحوه عملکرد شرکت نفت ایران و انگلیس و پرداخت سهم ایران وجود داشت. در نتیجه چنین

اختلافاتی بود که رضاشاه امتیازنامه داری را یکطرفه لغو کرد اما خیلی زود قرارداد نفتی دیگری را با انگلستان منعقد نمود (۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش). در قرارداد جدید، سهم ایران نسبت به قرارداد قبلی اندکی افزایش یافت و منطقه جغرافیایی قرارداد به میدا نهایی نفتی شناخته شده جنوب کشور محدود گردید، اما در عوض، ۳۰ سال به مدت قرارداد افزوده شد.



اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران پس از شهریور ۱۳۲۰

نیروهای متفقین پس از اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ و برکناری و تبعید رضاشاه از کشور، کنترل مستقیم راه های اصلی خلیج فارس به مرزهای شوروی و حفاظت از چاه ها و تأسیسات نفت جنوب را به دست گرفتند. آنان همچنین برخی از شخصیت های ایرانی هوادار دولت های محور و تعدادی از آلمانی های فعال در ایران را بازداشت کردند. متفقین ضمن تأکید بر اینکه در اداره امور کشور مداخله نخواهند کرد، تمامیت ارضی ایران را تضمین کردند و وعده دادند که ظرف شش ماه پس از پایان جنگ، نیروهایشان را از ایران بیرون خواهند برد.

اشغالگران تعهد کرده بودند که آذوقه و غله مورد نیاز مردم ایران را نیز تأمین کنند اما کمبود و گرانی مواد غذایی و به ویژه نان در زمان جنگ جهانی دوم، موجب بروز مشکلات و اعتراض های خیابانی متعددی در شهرهای مختلف کشور از جمله تهران شد. محمد رضا شاه پهلوی در ابتدای سلطنتش به منظور تحکیم جایگاه خویش، به اقدامات مختلفی دست زد. از جمله هنگام ادای سوگند در مجلس شورای ملی سوگند خورد که مطابق قانون اساسی به عنوان یک پادشاه مشروطه، فقط سلطنت کند نه حکومت. او همچنین املاکی را که پدرش تصرف کرده بود، در اختیار دولت گذاشت تا آنها را به صاحبانشان بازگرداند. علاوه بر این، به مراجع تقلید اطمینان داد که حجاب را محدود یا ممنوع نخواهد کرد. در فاصله سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲، شاه فقط بر ارتش مسلط بود و نظارت و قدرت اداری و اجرایی کشور در اختیار مجلس شورای ملی و هیئت دولت بود. اعیان و اشراف زمین دار و غیرزمین دار در مجلس، کابینه و در سطح محلی، قدرت و نفوذ زیادی داشتند. در این دوره، مطبوعات و احزاب نیز به صورت گسترده و با شور و شوق فراوان فعالیت می کردند و نقش مؤثری در تحولات سیاسی و اجتماعی داشتند.

زمینه های نهضت ملی شدن نفت

سیاست موازنه منفی در دوران اشغال ایران، دولت های آمریکا و شوروی برای کسب امتیاز استخراج نفت در مناطقی که در خارج از محدوده قرارداد ۱۳۱۲ ش / ۱۹۳۳ م ایران و انگلیس قرار داشتند، از جمله نفت شمال، به شدت با هم رقابت می کردند. در این میان، نمایندگان مجلس شورای ملی (دوره چهاردهم) به پیشنهاد دکتر محمد مصدق طرحی را به تصویب رساندند که دولت را از مذاکره و انعقاد قرارداد با کشورهای خارجی در خصوص نفت ایران بدون تأیید و تصویب مجلس منع می کرد (۱۳۲۳ ش). این مصوبه در حکم اتخاذ سیاست تلقی می شد، که «موازنه مثبت» یعنی ایستادگی در برابر امتیازخواهی دولت های سلطه جو، بود و دقیقاً خلاف سیاست «موازنه منفی» تسلیم شدن در برابر قدرتهای بزرگ و اعطای امتیاز به آنها را توصیه می کرد.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، شوروی نمی خواست بدون گرفتن امتیاز، نیروهایش را از ایران خارج کند؛ از این رو، احمد قوام (قوا مالسلطنه) نخست وزیر وقت، طی موافقت نامه ای امتیاز نفت شمال را به شوروی واگذار کرد. لازم بود این موافقت نامه به تأیید و تصویب مجلس شورای ملی برسد، اما نمایندگان مجلس نه تنها موافقت نامه مذکور را رد کردند بلکه واگذاری هرگونه امتیاز استخراج نفت و مشتقات آن را به خارجی ها ممنوع کردند.

اعتراض به قرارداد نفت جنوب

نمایندگان مجلس شورای ملی در مخالفت با اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی، دولت را مکلف ساختند که برای گرفتن تمامی حقوق ملی در موضوع نفت جنوب، مذاکره کند و اقدامات لازم را انجام دهد (مهر ۱۳۲۶). این اقدام به معنای اعلام نارضایتی رسمی و علنی از قرارداد نفتی ایران با انگلستان (قرارداد ۱۹۳۳ م / ۱۳۱۲ ش) و تلاش برای تجدید نظر در آن به حساب می‌آمد. سپس، اعتراض به این قرارداد و انتقاد از آن در محافل سیاسی و مطبوعاتی ایران آغاز شد.

جلوگیری از تصویب قرارداد الحاقی

پس از مذاکراتی که میان نماینده دولت ایران و نماینده شرکت نفت ایران و انگلیس با هدف بازنگری در قرارداد نفت جنوب و تأمین منافع ایران صورت گرفت، قرارداد الحاقی تدوین و امضا شد. این قرارداد معاهده نفتی ۱۳۱۲ ش را اندکی تعدیل کرد اما باز هم تأمین کننده حقوق و منافع کشور ما نبود. به همین سبب، معدودی از نمایندگان مجلس شورای ملی که مخالف قرارداد بودند، مانع رأی گیری درباره آن شدند.

در مجلس شانزدهم نیز اقلیتی از نمایندگان عضو جبهه ملی به رهبری دکتر مصدق با مخالفت مؤثر خود از تصویب قرارداد مذکور جلوگیری کردند. از جمله علل مهم مخالفت با قرارداد الحاقی گسـ گلشایبان این بود که این قرارداد علاوه بر نادیده گرفتن حقوق مادی مردم ایران، حاکمیت ملی و استقلال کشور را به نوعی نقض می‌کرد و به تسلط بیگانگان بر منابع و صنعت نفت مشروعیت می‌بخشید.

مبارزه برای ملی کردن نفت

نمایندگان مخالف قرارداد الحاقی در مجلس شانزدهم، ضمن مخالفت با این قرارداد، طرح ملی شدن صنعت نفت ایران را پیشنهاد کردند. این طرح با استقبال گسترده شخصیت‌ها، قشرها و گروه‌های مختلف سیاسی، ملی و مذهبی روبه‌رو شد و بسیاری از مطبوعات نیز از آن پشتیبانی کردند. تظاهرات و اعتصابات‌هایی هم در مخالفت با قرارداد الحاقی و طرفداری از ملی شدن صنعت نفت برپا شد. آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، که سابقه طولانی در مبارزه با استعمار انگلستان داشت، با جدیت تمام از جنبش ملی شدن صنعت نفت حمایت کرد. وی در اعلامیه‌ای، مبارزه برای ملی شدن نفت را تکلیف دینی و وطنی ملت ایران برشمرد و تعدادی از علما نیز نظر او را تأیید کردند.

در جبهه مقابل نیز انگلستان و عوامل داخلی‌اش برای حفظ منافع استعماری خود و جلوگیری از دستیابی ملت ایران به حقوق خویش به تکاپو افتادند. سپهبد حاج‌علی رزم‌آرا در مقام نخست‌وزیر (تیر تا اسفند ۱۳۲۹) از سیاست انگلستان جانب‌داری می‌کرد و با ملی شدن صنعت نفت به شدت مخالف بود.

تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت

پس از اعدام انقلابی رزم آرا به دست خلیل طهماسبی یکی از اعضای جمعیت فداییان اسلام (۱۶ اسفند ۱۳۲۹)، مهم ترین مانع بر سر راه ملی شدن صنعت نفت برداشته شد. چند روز بعد از آن، نخست مجلس شورای ملی (۲۴ اسفند ۱۳۲۹) و سپس مجلس سنا در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ طرح ملی شدن صنعت نفت را تصویب کردند و جنبش ضداستعماری ملت ایران در گام نخست به پیروزی رسید.

بی تردید، پیروزی جنبش های ضداستعماری مردم هندوستان علیه انگلستان به عنوان استعمار پیر و نیز موفقیت حرکت های استقلال طلبانه در برخی از کشورهای آسیایی و آفریقایی، تأثیر بسزایی بر خیزش ملت ایران برای طلب کردن و گرفتن حقوق ملی خود داشته است.

نخست وزیر مصدق و اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت

در اردیبهشت ۱۳۳۰، دکتر مصدق با حمایت گسترده افکار عمومی، اتحاد و همکاری تنگاتنگ نیروهای ملی و مذهبی و پشتیبانی قاطع آیت الله کاشانی، نخست وزیر شد تا قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس را با قاطعیت به اجرا درآورد. دولت دکتر مصدق پس از روی کار آمدن، بی درنگ هیئتی را به ریاست مهندس مهدی بازرگان به خوزستان فرستاد تا مراکز و تأسیسات نفتی را از حوزه اختیار شرکت نفت ایران و انگلیس خارج کند. اجرای این قانون نقطه عطفی در تاریخ معاصر و مبارزه مردم ایران برای رهایی از سلطه استعمار و نجات سرمایه های ملی از تسلط بیگانگان به شمار می رود.

اقدامات انگلستان برای ممانعت از ملی شدن نفت

- انگلیسی ها برای جلوگیری از تصویب و اجرای قانون ملی شدن نفت، به اقدامات سیاسی، اقتصادی و نظامی متعددی دست زدند که مهم ترین آنها عبارت بودند از:
 - تحریک کارگران صنعت نفت به اعتصاب گسترده از طریق منع شرکت نفت ایران و انگلیس از پرداخت فوق العاده دستمزد آنان؛
 - فرستادن کشتی های جنگی خود به خلیج فارس و بنادر ایران و تهدید نظامی؛
 - طرح شکایت از ایران در مجامع بین المللی؛
 - تهدید اقتصادی ایران با تعطیلی شعب بانک انگلیس، خارج کردن سرمایه های شرکت نفت و تحریم خرید نفت.

دولت دکتر مصدق برای مقابله با تهدیدها و تحریم های اقتصادی انگلستان، برنامه اقتصاد بدون نفت را اجرا کرد. دکتر مصدق که خود حقوق دان بود، با حضور در مجامع بین المللی از حقانیت ملت ایران دفاع می کرد. دفاع منطقی و مستدل نخست وزیر و وکلای حقوقی ایران باعث شد که شورای امنیت سازمان ملل متحد و سپس دیوان بین المللی لاهه به سود کشور ما رأی صادر کنند.

دولت ایران پس از پیروزی در دادگاه لاهه، از انگلستان خواست که بدهی های شرکت نفت و خسارت های ناشی از تأخیر و غیره را بپردازد و چون دولت انگلیس این تقاضا را نپذیرفت، اقدام به قطع رابطه سیاسی با لندن کرد.

قیام ۳۰ تیر

در تیر ۱۳۳۱ دکتر مصدق برای کاستن از نفوذ و قدرت دربار و مقابله با کارشکنی های آن در اداره امور کشور، از محمدرضا شاه پهلوی خواست که اختیار وزارت جنگ و فرماندهی ارتش را به او بسپارد و چون شاه با این تقاضا مخالفت کرد، از مقام خود استعفا نمود. شاه نیز بی درنگ احمد قوام را مأمور تشکیل دولت کرد.

در پی این رویداد، آیت الله کاشانی ضمن مخالفت با نخست وزیری قوام، مردم را به مبارزه فراخواند و اعلام کرد:

«اگر قوام کناره گیری نکند، اعلام جهاد می کنم و خودم کفن پوشیده، با ملت در پیکار شرکت میکنم» در روز ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مردم به خیابان ها ریختند. نیروهای نظامی و انتظامی تظاهرکنندگان را سرکوب کردند و عده ای را به خاک و خون کشیدند، اما با ادامه تظاهرات و اعتراض نمایندگان طرف دار نهضت ملی در مجلس شورای ملی، شاه که موقعیت خود را در خطر می دید، به ناچار به استعفای قوام و بازگشت مجدد دکتر مصدق رضایت داد.

دکتر مصدق دوباره نخست وزیر شد و وزارت جنگ و فرماندهی نیروهای مسلح را در اختیار گرفت. همچنین، شاه را از برقراری ارتباط مستقیم با سفرای خارجی منع کرد.

بروز اختلاف و تفرقه در نهضت

نهضت ملی شدن صنعت نفت با اتحاد و یکپارچگی احزاب و گروه های سیاسی و مذهبی مختلف بر محور مبارزه با استعمار انگلیس آغاز شد. با همدلی و یگانگی دکتر مصدق و آیت الله کاشانی، موانع داخلی و خارجی یکی پس از دیگری از سر راه برداشته شد و موفقیت های بزرگی به دست آمد اما پس از پیروزی قیام ۳۰ تیر، شرایط تغییر کرد؛ همکاری و اتحاد رهبران، شخصیت ها، احزاب و گروه های دست اندر کار نهضت بر اثر غلبه روحیه لجاجت، خودمحوری، قدرت طلبی و منفعت جویی های فردی و گروهی به تفرقه و دشمنی تبدیل شد. با گسترش اختلاف ها و نزاع های سیاسی میان شخصیت ها و گروه های ملی و مذهبی، منافع کشور و اهداف نهضت ملی شدن نفت به فراموشی سپرده شد.

کودتای ۲۸ مرداد

دشمنان خارجی و عوامل داخلی آنان با بهره گیری از تداوم و گسترش اختلاف و نزاع میان دکتر مصدق و آیت الله کاشانی و یاران و نزدیکان این دو شخصیت ملی و مذهبی، بر تلاش هایشان برای نابودی نهضت و سرنگونی دولت دکتر مصدق افزودند.

در این زمان، دکتر مصدق امیدوار بود که دولت آمریکا در ماجرای نفت از ایران پشتیبانی کند اما آمریکا که از زمان جنگ جهانی دوم سیاست فعالی را درباره ایران در پیش گرفته بود، سرانجام از دولت انگلستان جانب داری کرد و با آن کشور در براندازی دولت مصدق متحد شد.

طراحی کودتای ۲۸ مرداد حاصل توافق آمریکا و انگلیس بود. پس از ملاقات ها و مذاکرات نمایندگان و مأموران انگلیسی و آمریکایی، آن دو کشور در اواخر سال ۱۳۳۱ درباره سرنگونی دولت مصدق و انتصاب سرلشکر فضل الله زاهدی به نخست وزیری به توافق رسیدند. براساس طرح مشترک انگلیس و آمریکا، ایجاد آشوب های خیابانی در ایران و به راه انداختن جنگ روانی علیه مصدق در مطبوعات در دستور کار شبکه جاسوسی دو کشور قرار گرفت.

علاوه بر آن، طراحان کودتا از طریق اشرف پهلوی و ژنرال نورمن شوارتسکف آمریکایی، محمدرضا پهلوی را که در ابتدا در پذیرش کودتا مردد بود، متقاعد کردند که با کودتا موافقت کند. با ورود مأمور ویژه سیا به ایران در اواسط تیر ۱۳۳۲ و ملاقات او با فضل الله زاهدی، مقدمات اجرای کودتا فراهم شد.

سرانجام، با نقشه و حمایت سیاسی و مالی دولت های انگلستان و آمریکا و عوامل داخلی آنان، در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ واحدهایی از ارتش به فرماندهی فض الله زاهدی علیه دولت دکتر مصدق اقدام به کودتا کردند. کودتاچیان که از پشتیبانی سازماندهی شده گروه هایی از طرف داران شاه و دربار برخوردار بودند، مراکز مهم دولتی را در پایتخت تسخیر و دولت دکتر مصدق را سرنگون کردند. پس از موفقیت کودتا، زاهدی نخست وزیر شد و اعلام حکومت نظامی کرد. دکتر مصدق و تعدادی از همکاران و یاران نزدیکش دستگیر و سپس محاکمه شدند. احزاب و گروه های سیاسی و روزنامه ههای مخالف، غیرقانونی اعلام شدند و منحل گردیدند.

یک سال و اندی پس از کودتای ۲۸ مرداد، حکومت پهلوی با انگلستان و آمریکا درباره مسئله نفت به توافق رسید و به موجب قراردادی، تولید و فروش نفت ایران را به کنسرسیومی از شرکت های نفتی انگلیسی، آمریکایی، هلندی و فرانسوی واگذار کرد. بر اساس این قرارداد مقرر شد که کنسرسیوم به مدت ۲۵ سال نفت ایران را استخراج کند و به فروش برساند و در مقابل، نیمی از سود خالص خود را به کشور ما بپردازد.

ادامهٔ مبارزه پس از کودتا

با وجود جوّ سرکوب و اختناق پس از کودتا، گروهی از شخصیت های ملی و مذهبی و از جمله تعدادی از استادان دانشگاه تشکلی به نام نهضت مقاومت ملی را پایه گذاری کردند و با قرارداد جدید نفتی به مخالفت برخاستند که منجر به اخراج شماری از آنان از دانشگاه شد. آیت الله کاشانی نیز به این قرارداد اعتراض کرد. در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به برقراری روابط سیاسی مجدد با انگلستان و سفر معاون رئیس جمهور آمریکا (ریچارد نیکسون) به ایران تظاهرات کردند که در جریان آن سه تن از دانشجویان به شهادت رسیدند.

عکس ها



کارگران شرکت نفت هنگام احداث خط لوله نفت در خوزستان

دانلود از اپلیکیشن پادرس





نمایی از تظاهرات مردم تهران در اعتراض به کمبود و گرانی نان در برابر مجلس شورای ملی در میدان بهارستان

قوام و سادچیکف، سفیر شوروی، هنگام امضای موافق تنامه امتیاز نفت شمال





دکتر مصدق
و
آیت الله کاشانی



صحنه ای از تظاهرات مردم تهران در پشتیبانی از ملی شدن صنعت نفت ایران





شهیدان نواب صفوی و سید محمد واحدی لحظاتی پس از بازداشت
در حضور سرلشکر تیمور بختیار، فرماندار نظامی تهران



سخنرانی دکتر مصدق در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره ملی شدن صنعت نفت ایران



صحنه ای از قیام مردم تهران در ۳۰ تیر ۱۳۳۱
دانلود از اپلیکیشن پادرس





مزار شهدای قیام ۳۰ تیر در گورستان ابن بابویه



کودتاجیان در خیابان های تهران ۲۸ مرداد ۱۳۳۲



شاه و سلاشک زاهدی ، فرمانده که دتاجیان
دانلود از اپلیکیشن پادرس 



فعالیت ها

فعالیت ۱

بحث و گفت و گو

پس از همفکری و مرور آموخت‌های قبلی، دیدگاه خود را در باره تأثیر منابع نفت بر تحولات مهم تاریخ معاصر ایران، به ویژه دو جنگ جهانی اول و دوم، بیان کنید.

فعالیت ۲

بررسی شواهد و مدارک

با بررسی و ارزیابی مفاد قرارداد الحاقی گس _ گلشایان، که دبیر در اختیار شما قرار می دهد، استدلال کنید که آیا این قرارداد حداقل حقوق و منافع ملی ایرانیان را تأمین می کرد یا خیر.

فعالیت ۳

بررسی شواهد و مدارک

بخشی از سخنرانی دکتر مصدق در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد را بخوانید و ارزیابی خود را از آن بیان کنید.

آقای رئیس، آقایان اعضای محترم شورای امنیت، امروز من در این شورا حاضر شده تا صدای مردم ایران را در مقابل ادعاهای بی اساس دولت انگلستان به گوش شما و مردم جهان برسانم. هرچند ما این دعوا را به دلائلی که بعد اقامه خواهیم کرد، در حدود صلاحیت شورای امنیت نمی دانیم اما نمی توانیم منکر شویم که سازمان ملل متحد آخرین مرجع و عالی ترین مقامی است که مسئول حفظ صلح دنیاست. ملت ایران نیز از کشورهای بزرگ و از یک مؤسسه بین المللی جز این انتظار ندارد تا آن را کمک کنند تا بتواند استقلال اقتصادی خود را به دست آورده و در سایه آن رفاه اجتماعی خود را تأمین و به این وسیله استقلال خویش را تقویت کند. اگر دولتی مسئله ای را که در صلاحیت شورای امنیت نمی باشد در این شورا مطرح کند و شورای امنیت بنا به دلایل و جهات سیاسی تصمیم بگیرد که به آن مسئله رسیدگی کند، در این صورت شورای امنیت وسیله ای برای مداخله یک کشور در امور داخلی کشور دیگر خواهد شد و به این ترتیب، اعتماد مردم از آن سلب خواهد گردید و شورای امنیت از وظایفش، که حفظ صلح جهان می باشد، باز خواهد ماند.

فعالیت ۴

تحلیل و قضاوت

تحلیل یکی از مورخان معاصر دربارهٔ اتحاد آمریکا و انگلستان علیه نهضت ملی شدن نفت را بخوانید و نظر خود را دربارهٔ آن بیان کنید.

از نظر واشنگتن و همچنین لندن، کنترل ایرانی‌ها بر نفت احتمالاً پیامدهای دراز مدت ویرانگری به همراه داشت. این امر صرفاً یک ضربهٔ مستقیم به منافع بریتانیا نبود. ممکن بود کنترل نفت را کاملاً در اختیار ایران قرار دهد. ممکن بود الهام بخش دیگر کشورها به ویژه اندونزی، ونزوئلا و عراق شود؛ به طوری که آنان نیز از این رویه پیروی کنند و در نتیجه، کنترل بازار بین‌المللی نفت از شرکت‌های نفت غربی به کشورهای تولیدکننده منتقل شود. همچنین، تهدیدی بالقوه برای شرکت‌های آمریکایی و سایر کشورهای غربی و طبعاً دولت آمریکا و بریتانیا بود.

پرسش های نمونه

- ۱- پس از شهریور ۱۳۲۰ و برکناری و تبعید رضاشاه، چه تغییر و تحول سیاسی مهمی در کشور به وجود آمد؟
- ۲- علت و هدف از طرح سیاست موازنه منفی چه بود؟
- ۳- قرارداد الحاقی گس_گلشایان با چه هدفی به امضا رسید و سرانجام آن چه شد؟
- ۴- عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر بر تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت ایران را توضیح دهید.
- ۵- دیدگاه و ارزیابی خود را درباره تأثیر و نقش عوامل داخلی و خارجی بر موفقیت کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت دکتر مصدق بیان کنید .